

۱. .... مقام دوم: حکم دیگر آرائی
۲. .... قسم اول: روایات خاصه
۲. .... قسم دوم: الاعانه علی الظلم بالمعنی الخاص
۳. .... قسم سوم: عنوان خاص حرام
۳. .... قسم چهارم: به دلالت التزامی و بالملازمه
۳. .... قسم پنجم: از باب قاعده اعانه بر اثم
۴. .... مقام سوم بحث: تکسب محرمه
۴. .... عناوین محرمه:

### مقام دوم: حکم دیگر آرائی

اگر شخص دیگری اعمال تزیین و آرایش گری کند، چه حکمی دارد؟  
پاسخ به این سؤال این است که در باره هر کدام یک حکم خاصی وجود دارد.

## قسم اول: روایات خاصه

آنجایی است که روایات خاصه داشت. که مستقیم راجع به ماشطه بود. زن آرایش گر بود. که حضرت یا لعن کرده بودند. یا منع کرده بودند. که البته ما گفتیم که کل آن موارد را یا قبول نداریم، یا به کراهت بر می گشت، که دلیل خاص دارد. مثل همان موی انسان دیگری را به زن یا مرد دیگری ببافد. این کراهت دارد. هم برای خودش کراهت دارد، هم اینکه دیگری بیاید این کار را انجام بدهد. که وصل الشعر به شعر در مورد شعر انسان بود. پنج، شش مورد بود که موارد خاصه است که این اعمال هم برای خود شخص کراهت دارد، هم اینکه دیگری بیاید این آرایش گری را انجام بدهد. آن موارد مشاطت و آرایش گری، آن هم حکمش همان حکم این است که خود شخص خودش را آرایش نکند. علت آن این است که حکم این که خودش، خودش را آرایش نکند از اینها فهمیدیم. و الا روایات مستقیم آمده بود اینها را حرام یا مکروه کرده بود. پس پنج، شش مورد از آن موارد خاص مثل استعمال الخرقه یا وصل الشعر بالشعر یا تحدید السنان و امثال اینها اگر هر کدام از آنها را مطلق یا با قیدی پذیرفتیم آن شامل آرایش گر می شود. آن هم فرقی نمی کند زن آرایش گری باشد، یا مرد باشد. اگر القاء خصوصیت کنیم. اما در مواردی که عناوین عامه داریم. یا اگر هم عناوین خاصه ای هست، فقط کار خود شخص را می گوید. مثلاً زینت شخص در ایام عده را می گوید، یا زینت زن جلوی نامحرم را می گوید، یا بعضی از زینتها یا طیب را در حج می گوید. آنجاهایی که به عنوان عام یا خاص دلیل راجع به خود شخص وارد شده است نه تکلیف آرایشگر، در این نوع موارد، یک قسم آنجایی است که اعانه بر ظلم است. که اعانه بر ظلم مورد اتفاق بود که حرام است.

## قسم دوم: الاعانه علی الظلم بالمعنی الخاص

این است که دلیل در باره خود شخص وارد شده است، اما دیگری را هم شامل می شود از باب اینکه ظلم است. یکی همان تدلیس و غش است. گفتیم که تزیین به تدلیس حرام است. از باب قاعده عامه ای که هر نوع غش و تدلیس در مناکحات و معاملات حرام است. در سایر موارد آن محل بحث است. اگر جای حرمت تزیین و آرایش گری شخص از باب تدلیس و غش باشد. طبعاً این حکم که برای خودش حرام است، چون مورد ظلم به دیگری است، اینجا آرایش گری او هم به اتفاق باید بگویند حرام است. ولو اینکه دلیل خاصی هم نباشد. برای اینکه تدلیس و فریب دادن در مقام مناکحه یا معامله این تضييع حق دیگران است، این ظلم به معنی الخاص است. و در آماده سازی مقدمات ظلم به غیر که به آن الاعانه علی الظلم بالمعنی خاص، همه می گویند حرام است. و الا زن آرایش گری عروسی یا دختری را آرایش نکند. به گونه ای که عیب بسیار مهم شخص مخفی باشد. کار تدلیس مستقیماً کار او نیست. کار تدلیس، کار این زن یا اولیای زن است که این زن یا مرد را گول می زنند. یا بعکس

## شماره شصت:

پسری را تزئین می کند که زن نفهمد. یا تزئین در مقام معامله، این نوع تزئین در مقام معامله و مناکحه به عنوان تدلیس و فریب دادن اشخاص ظلم به غیر است. کار خود شخص ظلم به غیر است. تدلیس و غش و حرام است. دیگری هم که این آرایش گری را انجام بدهد، این اعانه بر تدلیس است. اعانه بر تدلیس و غش هم چون اعانه بر ظلم است همه می گویند حرام است.

### قسم سوم: عنوان خاص حرام

که باز در همین عناوین عامه و اینها غالباً است. ممکن است گاهی هم در عناوین خاصه مصداق پیدا کند. آنجایی که از این بالاتر است. اصلاً خود این آرایش گری و عملیات تزئینی مصداق آن عناوین عامه است. و عناوینی است که گفته که زینت گری در موارد خاصی حرام است. یکی در مورد همان اضرار است. اگر تزئین شخصی موجب اضرار او باشد، این دیگر خودش اعانه بر ظلم نیست، این ظلم است. زن آرایش گری می آید مواد آرایشی به کار می برد که او را مبتلا به سرطان می کند. این کار هم بر خود شخص حرام است. اگر بداند اینطور است. و هم دیگری و آرایش گر هم کارش حرام است. نه از باب مقدمات حرام و اعانه بر حرام، از باب اینکه خود کارش حرام است. و اضرار به غیر خودش عنوان محرم دارد. اینجا هم اضرار به نفس برای او محرم است. هم اضرار به غیرش محرم است. اینجا اعانه نیست یک قدم بالاتر است. خود این به عنوان خاص حرام است. نه از باب اعانه، اگر دلیل هم نداشتیم عقل می گفت که ظلم مسلم حرام است.

### قسم چهارم: به دلالت التزامی و بالملازمه

عرف می گوید بین کار خود شخص و کار آرایش گر ملازمه است. مثل تشبه، می گوید تشبه به جنس مخالف، یا تشبه به کفار حرام است. عرف می گوید تشبهش که حرام است، کسی بخواهد تشبیه هم انجام بدهد آن هم حرام است. اینجا دیگر به دلالت التزامی و بالملازمه از آنجا به اینجا تصدی می کند، نه از باب اعانه و اینها، اصلاً آنقدر رابطه این دو با هم نزدیک است که همان دلیلی که می گوید تشبه به کفار حرام است، دلالت می کند بر اینکه تشبیه دیگری هم به کفار حرام است. عملیات شبیه سازی به کفار هم حرام است.

### قسم پنجم: از باب قاعده اعانه بر اثم

می ماند سایر موارد که سایر مواردش می شود از باب قاعده اعانه بر اثم، یعنی غیر از این چهار بخشی که مصداقهای واضحی است که دیگر کار تزئین دیگری نسبت به زینت گری خود شخص که حرام یا مکروه بود تزئین او هم حرام یا مکروه می شود. منتهی یا به عنوان خاص در روایت وارد شده، یا به عنوان اعانه بر ظلم یا با عنوان عناوین دیگری از عناوینی که بر فعل او منطبق می شود. مثل اضرار و تدلیس و اینها یا از باب ملازمه بین کار خود شخص و کار دیگری در دلالت التزامی، غیر از این بقیه موارد می ماند به قسم پنجم که سایر موارد

## شماره شصت:

است. سایر موارد اعانه بر اثم است. تزیین می کند و می داند که بناست نامحرمی او را ببیند، یا خودش را در معرض نامحرم قرار بدهد در حد اشاعه فحشا نیست در درجات پایین تر است. یا تزیین می کند به گونه ای که موجب نوعی پیدایش یک نوع روحیه تکبر در او می شود، اینها حرام است. اینها ظلم به دیگری نیست، ولی کاری که او می کند در مسیر حرامی قرار می گیرد. این می شود مصداق اعانه بر اثم که اعانه بر اثم اختلاف سابق است البته ما می گفتیم اعانه بر اثم هم با دو شرط سابق حرام است. این آرایش گری حکم خود شخص برای خودش و کجاها حرام یا مکروه است و یا دیگری بخواهد انجام بدهد یکی از این پنج قسم است. که قسم اول تا چهارم آن جاهایی است که مورد اتفاق است. نباید اختلافی باشد. ولی در قسم پنجمش حرام بودن یا نبودنش مبتنی بر این است که ما بگوییم اعانه بر اثم مطلقاً حرام است یا مطلقاً حرام نیست. که ما می گفتیم حرام است با دو قید یک قید اینکه آن امر محرم محقق بشود و او هم بداند که به آن امر محرم منجر خواهد شد.

### مقام سوم بحث: تکسب محرمه

این است که می آید در مکاسب محرمه، و آن این است که اگر کسی زینت گری و آرایش گری را انجام می دهد. حکم این در یکی از پنج قسم معلوم شد. این گاهی تبرعی است و گاهی پول می گیرد. و تکسب به این آرایش گری دارد. این مقام سوم بحث می شود که حکم این اینجا معلوم است، هم حرام است و هم باطل است. یعنی پولی که می گیرد پول حرامی است نمی تواند در آن تصرف بکند و ملک او نمی شود. برای اینکه این کار، کاری است که از نظر شرعی از اعتبار ساقط است، از ارزش ساقط است. و معامله بر آن هم حرام است و هم تکسب به آن حرام و باطل است. این هم قاعده کلی است که قبلاً بحث شده است.

### عناوین محرمه:

عوامل محرمه یا مکروه عواملی که موجب تحریم یا تنزیه و کراهت می شود ما هفت هشت عنوان را گفتیم، ولی یک عنوان دیگر است که گاهی اضرار نیست. ولی شخصی را در مشقت می اندازد و عسر و حرج برای دیگری ایجاد می کند. با آرایشی که خودش می کند، خودش را در عسر و حرج می اندازد. یا آرایش گر او را در عسر و حرج می اندازد. یعنی شکنجه به او می دهد. ضرر به او نمی خورد، ولی باید خیلی سختی را تحمل کند. سوراخ کردن گوش ضرری به جایی نمی رساند، ولی خیلی مشقت و سختی دارد. این سختی و مشقت را بر خود یا دیگری تحمیل کردن این هم یک ار عناوینی است که در یک حدودی کراهت دارد و یک حدود بالا برسد حرام است.

یکی هم آن است که در زینت گری شخص و اینها یکی از عواملی که محدودیتی ایجاد می کند همان بحث زهد است که زهد در یک حدودی و در یک مراتبش واجب است و ترکش حرام است. در یک مراتبش هم مستحب و

ترکش مکروه است. این هم از عواملی است که می تواند یک مقداری بحث تزئین و زینت گری و اینها را محدود بکند.

بنابراین ایجاد مشقت و تولید مشقت در مقام تزئین و زینت گری یکی از عناوینی است که گاهی تولید کراهت می کند، در یک سطوحی هم تحریم می کند. همانطور که دلبستگی به او و بهره برداری از آن چیزهای دنیایی که خلاف زهد است، این یک حدودش کراهت دارد، یک حدودش حرام است.

اختلال نظم و دور سازی از فرهنگ دینی و امثال اینها، اینها در یک حدودی کراهت دارد، در یک حدودی حرام است. تهدید حدودش نیاز به بحثهای مستوعبی دارد که مع الاسف در فقه انجام نشده که ما انشاءالله آینده بحث خواهیم کرد.